

رجیم روحبخش

و یاد امام خمینی (ره) در دوره تبعید
تبيين راهکارهای حفظ نام

صلوات سیاسی

دستگیری و تبعید امام خمینی (ره) در آبانماه سال ۱۳۴۲ نه تنها نهضت و جایگاه و اعتبار رهبر آن را به ورطه سقوط و بوته فراموشی نسپرد بلکه زمینه‌ای شد برای فراگیر شدن مفهوم رهبری سیاسی در نظام روحانیت. با تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه، یاران و شاگردان ایشان خاموش نشستند و تمام جد و جهد خود را در محکومیت این اقدام و تثبیت یاد و نام و اعتبار امام (ره) به کار بستند. اجتماع در بیوت مراجع معظم تقلید، انتشار اعلامیه، تشکیل جلسات سخنرانی و انجام راهپیمایی از جمله راههای رسیدن به هدف مورد نظر بود. یکی از شیوه‌های جالب و موثر و غیر قابل کنترل که یاد و نام رهبر هجرت گزیده انقلاب را در دلها پایدار و پراچ نگه می داشت مرسوم شدن ختم صلوات هنگام شنیدن نام امام خمینی (ره) در مجالس و مجامع دینی بود. این امر اهمیت و ارج و مقام ایشان را تقویت و نمایان می ساخت و ایادی رژیم هم قادر به جلوگیری از آن نبودند. فرستادن صلوات سیاسی به هنگام بردن نام حضرت امام خمینی (ره) که برای هیچ مقام علمی و دینی تا آن زمان مرسوم نبود، هم مرجعیت حضرت را فراگیر نمود و هم رهبریت ایشان را در فضای سیاسی آنروز تثبیت می کرد و دارای تاثیر سیاسی فوق العاده‌ای بود، از همین رو در آن برهه خاص از آن به صلوات سیاسی تعبیر می شد. وعاظ و مبلغان سعی می کردند که به بهانه‌های مختلف در خلال بیانات شرعی و علمی و اجتماعی نام ایشان را به زبان آوردند و مردم را به رهبری و مرجعیت عامه ایشان متوجه نمایند. در طی مقاله حاضر مروری خواهیم داشت بر چگونگی عملکرد وعاظ و خطبا و مبلغان دینی در خصوص زنده نگهداشتن یاد و نام امام (ه) و مبارزات یاران و شاگردان ایشان در آن سالها.



مقدمه

پس از قیام خونین پانزدهم خرداد و به ویژه سخنرانیهای متعدد امام (ره) در روز عاشورا و همچنین در چهارم آبان ۱۳۴۳، ش علیه کاپیتولاسیون، رهبری بلامنازع ایشان تثبیت یافت. از این رو کارگزاران نظام حاکم فکر می کردند با تبعید امام و دور ساختن ایشان از مرکز ثقل نهضت خواهند توانست نه تنها به نقش رهبری ایشان خاتمه دهند بلکه نهضت روحانیت را قلع و قمع نمایند. اما فرایند تحولات بعدی به گونه‌ای رقم خورد که دستگاه امنیتی از نیل به هر دو هدف مذکور ناکام ماند. بر همین اساس این مقاله درصدد است علل ناکامی نظام حاکم را در حذف رهبری امام (ره) به ویژه در سالهای نخست تبعید ایشان مورد بررسی قرار دهد. سوال بنیادین پژوهش حاضر این است که طرفداران نهضت روحانیت بعد از تبعید امام خمینی (ره) در آبان ماه ۱۳۴۳، با اعمال چه ساز و کارهایی، نام و یاد ایشان را زنده نگهداشتند؟ در پاسخ به این پرسش است که به

مواردی نظیر صلوات سیاسی بر می خوریم. منظور از اصطلاح صلوات سیاسی، ترفندی است که روحانیون و وعاظ طرفدار نهضت در آن سالها بکار می بردند و براساس آن در خلال سخنرانیهای خود به بهانه های مختلف نام امام را برده و حاضران در آن مجلس صلوات بر پیامبر و آل او ختم می کردند. به جرات می توان ادعا کرد که در میان روحانیون مبارز هیچکس به اندازه آیت الله سید محمدرضا سعیدی از این روش سود نجسته است. استاد ساواک نشان می دهد که وی به طور مکرر در بیان مسائل شرعی از رساله عملیه امام استفاده و در پایان سخنرانیهایش برای بازگشت امام به وطن دعا می نمود. گفتنی است در تمام این موارد به محض ذکر نام امام (ره)، حاضران صلوات می فرستادند.

طرح مساله

در ماههای نخستین پس از تبعید امام، روحانیون و بازاریان به مبارزات سیاسی خود شدت بخشیدند. اعضای شاخه نظامی هیات مؤتلفه اسلامی (تشکل بازاری همراه با روحانیت سیاسی) در اقدامی غافلگیر کننده حسنعلی منصور - نخست وزیر وقت - را ترور نمودند. از سوی دیگر روحانیون، فضلا و طلاب طرفدار نهضت در حوزه علمیه قم به شکلهای مختلف درصدد زنده نگهداشتن یاد و نام امام برآمدند. بهره برداریهای سیاسی از مراسم مختلف مذهبی در سرتیجه این برنامه ها قرار داشت. برگزاری مراسم دعای توسل در مسجد بالا سر حضرت معصومه (س)، ذکر نام امام خمینی در ضمن قرائت دعا، صدور اعلامیه‌های متعدد در اعتراض به تبعید ایشان تداوم پرداخت شهریه به طلاب از سوی نمایندگان منتخب امام، چاپ و توزیع اعلامیه‌های مراجع وعلماء در حمایت از نهضت اسلامی و مواردی از این قبیل محورهای اصلی تکاپوهای مبارزاتی طرفداران امام (ره) و حرکت اسلامی را در این مقطع تشکیل می داد. قداست مناسبتهای مذهبی و مکان برگزاری آنها (حرم حضرت معصومه (س)، مساجد و) در آغاز ساواک را از اتخاذ تدابیر امنیتی لازم ناتوان می ساخت. هرچند انبوه گزارشهای ماموران ساواک از حضور مخفیانه آنان در این قبیل مراسم خبر می دهد، اما دستگاه امنیتی بر این نکته واقف بود که توسل به خشونت و یا ایجاد درگیری در حریمهای مقدس باعث جریحه دار شدن احساسات مذهبی مردم گشته و پیامدهای غیرمنظوره‌ای برای آنان به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل می توان از موفقیت نسبی روحانیون مبارز در این مقطع سخن گفت. با این حال برای بازکاوی دقیقتر موضوع، برخی از اهم این وقایع و مراسم به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

تحولات تعیین کننده

۱- دعای ندبه مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه (س):
بررسی وقایع نهضت اسلامی در دوره بعد از تبعید امام



کارگزاران حکومت پهلوی فکر می کردند با تبعید امام (ره) و دور ساختن ایشان از مرکز ثقل نهضت خواهند توانست نه تنها به نقش رهبری ایشان خاتمه دهند بلکه نهضت روحانیت را قلع و قمع نمایند. اما فرآیند تحولات بعدی به گونه ای رقم خورد که دستگاه امنیتی رژیم از نیل به هر دو هدف مذکور ناکام ماند.

مرتباً برای چند شب متوالی درهای ورودی به محل مراسم تیغه شد ولی بعداً برای راحتی زائران دیوار تیغه ای برداشته شد» همچنین در خصوص راهکارهای مقابله جویی طلاب اضافه شده است: «هر شب یک نفر طلبه دعای توسل می خواند تا شناخته نشود» در پایان این گزارش به شهرستانی قم برای ممانعت از برگزاری این مراسم دستور اکید داده می شود.^۲ در برخی از خاطرات روحانیون نیز به این مسأله اشاره شده است. آقای گرمای یکی از شرکت کنندگان در این مراسم در یاد مانده هایش از آن نقل می کند: «مداح و دعاخوان اصلی مراسم، شیخ محمدرضا مویذ قمی بود. او در خلال مراسم به طرق مختلف یادی از امام می نمود و به او دعا می کرد.»^۳ رحیمیان یکی دیگر از شرکت کنندگان، این مراسم را کانونی برای تجمع طرفداران نهضت دانسته، و اضافه می کند: «مجری مراسم در فرازهای خاصی از دعای ندبه، امام خمینی را یاد می کرد. مثلاً در فراز مربوط به امام موسی بن جعفر (ع)، زندان و تبعید امام خمینی را یادآور می شد و انبوه طلاب و زائران گریه می کردند.» نامبرده خاطر نشان می سازد: «بعد از چند ماه اجرای مراسم، مأموران امنیتی ممانعت به عمل آورده و از آن به بعد، مراسم در منازل طلاب برگزار می شد.» وی واعظ و سخنران اصلی این مقطع از مراسم را انصاری شیرازی نام برده و می افزاید: «وی غالباً در توصیف امام و مصایب نهضت روضه می خواند.»^۴ در یکی از گزارشهای ساواک نیز از مراسم دعای شب

(ره) نشان از آگاهی و رشد سیاسی طیف وسیعی از فضلا و روحانیون به ویژه طلاب حوزه علمیه قم می دهد. این طیف از روحانیون که با تداوم نهضت، آمادگی خود را برای ورود به عرصه مبارزه در غیاب رهبری آن نیز آشکار ساخته بودند، غالباً از شاگردان کلاسهای درس امام خمینی (ره) تشکیل می شدند. البته طیف دیگری نیز که بیشتر در شهرستانها اقامت داشتند، طی تشدید و گسترش مرحله اول نهضت (۱۳۴۱-۱۳۴۳) و تحت تاثیر آموزه های سیاسی آن شکل گرفت. مجموعه این عناصر با اتخاذ راهکارهای مبارزاتی مختلف درصدد برآمدند تا با زنده نگاهداشتن یاد و نام امام خمینی (ره) به عنوان رهبر نهضت، تداوم و دامنه مبارزه را گسترش بخشند. یکی از این تدابیر، برگزاری مستمر مراسم دعای ندبه در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه (س) بود. اسناد ساواک و خاطرات برخی از روحانیون به روشنی گویای ابعاد و زوایای این مراسم است. در یکی از اسناد ساواک طی یک ارزیابی کلی از این مراسم، آمده است: «هر شب ساعت ۸/۳۰ الی ۹ عده ای در حدود ۵۰ الی ۷۰ نفر در مجاورت ضریح مطهر حضرت معصومه جنب مسجد بالا سر جمع شده و دعای توسل می خوانند و در آخر مراسم برای مراجعت [امام] خمینی و هدایت گمراهان یا نابودی آنان دعا می کنند. البته در ایام تعطیل به جمعیت آنان افزوده می شود.» در این سند در خصوص تدابیر امنیتی برای جلوگیری از این مراسم آمده است: «برای برچیدن دعای مزبور یک



مركز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



۱۳۴۴/۵/۲۳ چنین نقل شده است: «طلبه‌ای که دعای توسل را قرائت می‌کرد، چند دقیقه‌ای اینطور به آقای خمینی دعا کرد: پروردگارا! آقای ما، سرور ما، نور چشم ما را در هر کجا که هست، در پناه خودت حفظ کن. پروردگارا، کسانیکه باعث تبعید آیت الله خمینی شدند اگر قابل هدایت هستند، هدایت و گرنه در هر پست و مقامی که هستند ریشه کن بفرما.»^۵

یکی از مقاطع مهمی که متولیان این مراسم از آن کمال استفاده را نمودند، زمان تحویل سال نو بود. گزارش ساواک در خصوص سال ۱۳۴۴، ش. حاکی است در آن لحظات: «حدود پانصد نفر از طلاب در ضلع جنوب غربی حرم اجتماع و پس از خواندن دعا، هنگام شعار دادن برای [امام] خمینی به آنان اخطار شد که ظرف یک ربع ساعت متفرق شوند ولی آنان به اخطار توجهی نکردند.»^۶ گفتنی است که در آن لحظه حرم و صحن مرقد حضرت معصومه (س) از جمعیت موج می‌زد.

۲- جشن میلاد امام زمان (عج):

از جمله مراسمی که در فاصله کمتر از دو ماه بعد از تبعید امام از سوی روحانیون مبارز برپا شد، برگزاری جشن نیمه شعبان در اواخر دیماه ۱۳۴۳ بود. در اعلامیه فراخوانی که به نام «حوزه علمیه قم» منتشر و توزیع گردید آمده بود: «مردم غیور ایران در اعیاد گذشته محض اظهار خشم و نفرت نسبت به دشمنان زعیم عالیقدر شیعه حضرت آیت الله خمینی از برگزاری مراسم عید خودداری کردند. ولی فعلا مقتضی است برای کوری چشم هیات حاکمه‌ای که عملا از صهیونیسم طرفداری و برای عمال آنان ترویج می‌کند، در مورد ولادت با سعادت حضرت یقیه الله المنتظر، ولی عهد عجل الله فرجه الشریف از بذل هرگونه سعی و کوشش برای بزرگداشت شعایر مذهبی و برگزاری مجالس جشن و چراغانی دریغ نفرمایند و در حدود امکان از اظهار احساسات پاک نسبت به نایب بزرگوار آن حضرت، رهبر عالیقدر و محبوب شیعه حضرت آیت الله خمینی و ابراز نفرت و انزجار از دشمنان معظم له کوتاهی نفرمایند.»^۷

مراسم میلاد حضرت ولی عصر (عج) در مسجد اعظم قم به طرز باشکوهی برگزار گردید. در خلال مراسم حجت الاسلام محمود دعائی به همراه جمعی با در دست داشتن عکس بزرگی از امام وارد مسجد شدند که ناگهان جمعیت با سلام و صلوات و تجلیل از امام از جاکنده شد و شعار خمینی، خمینی فضای مسجد را لرزاند. سپس دعائی پشت تریبون قرار گرفت و برخی اشعار حماسی در مدح امام قرائت نمود. واعظ این مجلس نیز در سخنرانی خود از لزوم مراجعت فوری امام به وطن سخن گفت.^۸

همچنین مراسم مشابه دیگری در برخی مساجد از جمله: مسجد صاحب الزمان، مسجد سنگی، مسجد ابوالحسن و مسجد سعادت برگزار شد. که سخنرانان

آن مجالس به تبعید امام خمینی (ره) اعتراض کردند که البته مدتی بعد همگی به همین اتهام دستگیر شدند.^۹

۳- بهره برداری از مجالس ماه رمضان:

اندکی بعد از این وقایع، ماه رمضان ۱۳۸۴. ق. از روز ۱۳/۱۰/۱۳۴۱ ق. رسید. به همین مناسبت برخی از وعظ طرفدار نهضت در تهران و روحانیون حوزه علمیه قم درصدد برآمدند از این فرصت مذهبی جهت مبارزه سیاسی استفاده کنند. برای این منظور سی و دو تن از روحانیون پیشگام نهضت، طی ارسال نامه‌هایی برای آیات عظام میلانی و مرعشی نجفی از نامبردگان اینگونه سوال کردند: «نظر به اینکه ماه مبارک رمضان در پیش است و طلاب حوزه نیز درصدد سفر تبلیغی هستند، چنانچه از طرف دولت تضيیقاتی نسب به [طرح] مسایل روز و هدف عالی روحانیت و تجلیل از مقام حضرت آیت الله خمینی مدظله واقع شود، وظیفه چیست؟» در پاسخ به این پرسش، هر دو مرجع مذکور بر لزوم تداوم مبارزه و آگاه ساختن مردم از هدف نهضت روحانیت و دعا برای بازگشت آیت الله خمینی تاکید ورزیدند.^{۱۰}

گفتنی است در سلسه مراتبی که در این مقطع برای هدایت نهضت شکل گرفت، فضلا و برخی مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان طیف دوم- بعد از مراجع- جهت اتخاذ تمهیدات لازم در این خصوص، جلساتی تشکیل داده و زمینه عزیمت طلاب را به اقصی نقاط کشور برای آگاه ساختن توده‌ها از ماهیت نهضت فراهم ساختند. این تکاپوها از جمله سوال و جواب از مراجع به وسیله مناسبی برای وعظ و طلاب تبدیل گشت تا در سخنرانیهای سیاسی خود در منابر و مجالس مذهبی، بیش از پیش به بازگویی مسائل نهضت و گسترش آموزه‌های آن بپردازند.

از سوی دیگر ساواک بعد از شناسایی عوامل این برنامه ها، تعدادی از وعظ را دستگیر و به یک سال تا هجده ماه زندان محکوم کرد. از جمله این افراد می‌توان به:

محمدجواد حجتی کرمانی، جعفری همدانی، محمدمهدی ربانی املشی، حسن طاهری خرم آبادی، احمد کافی، فرج الله واعظی، غفاری، امام جمارانی، قریشی، مقدسیان، موحدی، شجاعی، مروارید، مرتضی فهیم، عبدالعلی کنی، فضل الله محلاتی و اشاره کرد. محلاتی در خاطراتش تعداد بازداشتیها را سی و شش نفر ذکر کرده می‌گوید: «از این عدد بیست و سه نفر را بعد از دو ماه آزاد کردند ولی برای سیزده نفر باقیمانده دادگاه نظامی تشکیل داده و هر یک را به چندین ماه بازداشت محکوم کردند.»^{۱۱} در اعلامیه‌ای که از سوی طلاب حوزه علمیه قم در همین مقطع صادر شد، تعداد و اسامی بازداشتیها تا پنجاه نفر ذکر شده است.^{۱۲}

حجه الاسلام محلاتی که از سخنرانان مسجد جامع تهران در ماه رمضان آن سال بود در خاطراتش چنین اضافه می‌کند: «طی هماهنگی با بازاریان طرفدار نهضت و به خصوص مولف، قرار بود هرشب یک واعظ در آن مجلس سخنرانی کند تا در صورت

دستگیری وی، مراسم در شبهای بعد تداوم یابد.» علی اکبر هاشمی رفسنجانی یکی دیگر از سخنرانان نوبتی آن مسجد نیز در همین خصوص می‌گوید: «شیی که قرار بود وی [محلاتی] سخنرانی کند، مامورین امنیتی درب مسجد را قفل کردند. اما چون دیدند این عمل بازتاب منفی در میان مردم دارد به ناچار شب بعد درب مسجد را باز کردند ولی بلندگو و فرشها را جمع نمودند که او با همین شرایط سخنرانی نمود.»^{۱۳}

بدون تردید تدابیر امنیتی اتخاذ شده از سوی ساواک نمی‌توانست وعظ و روحانیون مبارز را از فعالیت باز دارد. از همین رو دستگاههای امنیتی برای آن دسته از روحانیونی که تا این مقطع پرونده تشکیل نداده بودند، شروع به پرونده سازی کردند تا با شناسایی کامل آنها تدابیر دیگری درباره این افراد بکار برند.

۴- سالگرد فاجعه مدرسه فیضیه قم:

واقعه دیگری که در این مقطع بار دیگر به مبارزه طلاب حوزه علمیه قم دامن زد، فرارسیدن ۲۵ شوال ۱۳۸۴. ق. برابر با دومین سالگرد فاجعه مدرسه فیضیه قم بود. برای برگزاری باشکوه یادبود شهدای این واقعه، تصمیم گرفته شد تا طی نیمه اول اسفند ۱۳۴۳. ش. چندین مراسم برپا گردد. از جمله در جریان مراسم دعای توسل مسجد بالا سر حضرت معصومه (س) که بعد از تبعید امام به طور مستمر برگزار می‌گردید، شعارهایی به همین مناسبت داده شد. سپس در پایان مراسم، جمعیت حاضر از مسجد بیرون آمده و به طرف میدان آستانه به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات با دخالت نیروهای امنیتی به زد و خورد بین طرفین منجر شد. با این حال صبح روز بعد بار دیگر مراسم مشابهی در همان مسجد برگزار گردید. علی اکبر ناطق نوری واعظ این مراسم در سخنانی از شهدای واقعه فیضیه تجلیل نموده و بر لزوم تداوم نهضت تاکید ورزید.

در بعد از ظهر آن روز بار دیگر مراسمی به همان مناسبت در مدرسه فیضیه برگزار شد. در این مراسم سید عبدالرسول تهرانی سخنرانی کرد و در پایان سخنرانی خود اعلامیه «شاه دوستی یعنی غارتگری» امام (ره) را که در پی فاجعه مدرسه فیضیه صادر شده بود، قرائت کرد.^{۱۴} متعاقب برگزاری این مراسم و هجومهای پی درپی ماموران امنیتی که منجر به درگیری و دستگیری برخی از روحانیون گردید، حوزه علمیه قم با صدور اعلامیه‌ای ضمن شرح وقایع خاطر نشان ساخت: «آمریکای استعمارگر خیال کرده است که با بسط نفوذ اسرائیل در ایران و با تبعید بزرگ مرجع مجاهد حضرت آیت الله آقای خمینی می‌تواند به مقاصد شوم خود نائل گردد.» در پایان این اعلامیه بر تداوم مبارزه تا شهادت و یا پیروزی تاکید شده است.^{۱۵}

از جمله روحانیونی که در ارتباط با این مراسم دستگیر شدند می‌توان به حجج اسلام: عبدالرحیم ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، صادق خلخالی و اکبر هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. این عده به جز هاشمی



منظور از اصطلاح صلوات سیاسی، ترفندی بود که وعاظ و روحانیون طرفدار نهضت اسلامی در سالهای تبعید امام(ره) جهت حفظ یاد ایشان به کار می بردند و براساس آن در خلال سخنرانیهای خود به بهانه های مختلف نام امام(ره) را برده و حاضران در آن مجلس صلوات بر پیامبر ختم می کردند.

رفتجانی بعد از مدتی آزاد شدند. هاشمی رفتجانی به اتهام ارتباط با هیاتهای مولفیه اسلامی- که در همان روزها شاخه نظامی آن حسعلی منصور را ترور کرده بود- تا تیرماه ۱۳۴۴. ش در زندان ماند تا اینکه با وساطت آیت الله العظمی سید محسن حکیم- از مراجع وقت شیعیان - آزاد گردید.^{۱۶}

۵- مراسم عید نوروز سال ۱۳۴۴: براساس یک سنت دیرین توده های مومنین مذهبی قم علاقه دارند در هنگام تحویل سال نو در حرم حضرت معصومه (س) حضور یابند. با توجه به این موضوع جمعی از طلاب مبارز درصدد برآمدند با استفاده از این فرصت اعتراضات خود را درخصوص ادامه تبعید امام خمینی(ره) و دستگیری تعدادی از وعاظ اعلام کنند. بر این اساس طلاب در شب عید که حرم و صحن های اطراف آن از جمعیت موج می زد، ابتدا با قرائت دعای توسل توجه زائران را به سوی خود جلب کردند. سپس یکی از طلاب به نام فلاح یزدی روی چهار پایه ای قرار گرفت و شروع به خواندن متن اعلامیه نمود. وی با بیان اینکه هیات حاکمه با سرکوب قیام پانزدهم خرداد، ادامه تبعید آیت الله خمینی، بازگذاشتن دست آمریکا و اسرائیل در امور کشور و زندانی نمودن روحانیون، عیدی برای مردم

ایران باقی نگذاشته است، اسامی قریب پنجاه تن از روحانیون بازداشتی را اعلام نمود. در هنگام قرائت سطور پایانی اعلامیه و در حالیکه گوینده بر تداوم مبارزه تأکید می ورزید،^{۱۷} ناگهان مأموران امنیتی به داخل صحن هجوم آورده و مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در این درگیری تعدادی از افراد مجروح شده و طلاب متواری شدند.

ساعاتی بعد مجددا طلبه های جوان به داخل حرم بازگشتند و با پخش تراکتها و اعلامیه هایی در میان جمعیت بر تداوم نهضت تأکید ورزیدند.^{۱۸} در پی تهاجم مذکور به داخل حرم حضرت معصومه جمعی از اساتید و فضایی حوزه علمیه قم طی ارسال نامه ای به هویدا نخست وزیر وقت- ضمن شرح واقعه، دولت را در قبال آن مسئول دانسته و در خصوص پیامدهای چنین وقایعی هشدار دادند.^{۱۹}

وقایع پنجگانه مذکور که در فاصله کوتاهی بعد از تبعید امام از کشور صورت گرفت اهم رویدادها و اعتراضات بود، اما بدون تردید دامنه مخالفتها در این مقطع زمانی بسیار بیشتر از این موارد می باشد. خوشبختانه چاپ و نشر دهها جلد از مجموعه کتابهای «یاران امام به روایت اسناد ساواک» ابعاد و گستردگی اینگونه مبارزات را در نقاط مختلف کشور روشن کرده است. تداوم فعالیت های روحانیون مبارز در ایام تبعید امام (ره)

دستگاه عریض و طویل امنیتی رژیم را با یک بحران جدی مواجه ساخت. ماهیت و پایگاه تبلیغ آموزه‌های نهضت به گونه‌ای بود که غالباً برای ساواک مقابله اساسی و سرکوب کامل آن به راحتی میسر نبود. وانگهی ساز و کارهای مقطعی و کوتاه مدت امنیتی نظیر دستگیری و بازداشت برخی عاملان این مبارزات نیز نمی‌توانست دستگاه امنیتی را در دستیابی به اهداف مورد نظر خود کامیاب سازد.

شناسایی و شدت عمل رژیم پهلوی علیه برگزار کنندگان مراسم سیاسی

همانطور که گفته شد در پی تبعید امام خمینی (ره)، طیفی از طلاب حوزه علمیه قم در پوشش برپایی برخی مراسم مذهبی، اعتراض خود را نسب به این اقدام اعلام کرده و برتداوم نهضت تأکید می‌ورزیدند. دستگاه امنیتی رژیم پهلوی نیز در مقابل به دستگیری و بازداشت کوتاه مدت بانیان و عوامل اصلی برگزاری این مراسم اقدام می‌کرد. تا اینکه در پی برگزاری یکی دیگر از این نوع برنامه‌ها، ساواک با دستگیری و تبعید برخی از عوامل آن تغییر رویه امنیتی خود را در مقابله با چنین فعالیتهای نشان داد.

مراسم نیمه شعبان ۱۳۸۵. ق :

واقعه از این قرار بود که فضلا و طلاب طرفدار نهضت در آستانه نیمه شعبان ۱۳۸۵. ق برابر با هجدهم آذرماه ۱۳۴۴. ش درصدد برپایی مجلس جشن باشکوهی برآمدند. طبق روال همیشگی هدف اصلی برگزاری این جشن زنده نگهداشتن یاد و نام امام خمینی و تداوم نهضت بود.

خاطرات و اسناد موجود درباره مراسم جشن نیمه شعبان ۱۳۸۵. ق حاکی است که شیخ محمدرضا یاسینی واعظ این مجلس بوده و در آن درباره لزوم بازگشت سریع امام (ره) به کشور سخن رانده است.^{۲۰} اسناد شهربانی نیز نشان می‌دهد که بانیان مجلس مذکور، عکس یزرگی از امام (ره) را تهیه و در بالای منبر قرار داده بودند. براساس این اسناد، هنگامیکه یاسینی در خلال سخنرانی برای سلامتی امام (ره) دعا نمود مأموران امنیتی وارد مسجد شده و ضمن قطع برق از ادامه مراسم جلوگیری به عمل آوردند. عوامل رژیم با شناسایی دست اندرکاران مجلس، طی یکی دو روز بعد قریب بیست نفر از آنان را دستگیر کردند.^{۲۱}

در پی ارسال گزارش مذکور به مرکز، ریاست شهربانی کل کشور طی صدور دستورالعمل شدیدالحنی اعلام می‌دارد: «تمام این جریانات برای آن است که نه شهربانی و نه ساواک نقوذی در بین طلاب نذارند و نمی‌توانند اطلاع به موقع کسب کنند. این نقص هر چه زودتر باید مرتفع شود.» سپس در ادامه این دستور با اشاره به عدم دستگیری تمام عاملین مراسم، خاطر نشان می‌سازد: «در مورد اجتماع دیروز [جشن روز ۱۸ دیماه ۱۳۴۴ در مسجد اعظم قم] اگر پیشگیریهای لازم بشود، احتیاج ندارید در مقابل اجتماع قهرا اقدام کنید.» در پایان نیز تصریح می‌کند: «فورا کمیسیون

امنیت اجتماعی تشکیل و در این مورد [دستگیر شدگان] تصمیم بگیرید.»^{۲۲}

در همین اسناد و در گزارش دیگری ضمن اعلام تشکیل جلسه کمیسیون مذکور اسامی بازداشتیها اعم از روحانی و بازاری به شرح زیر ذکر شده است: ۱- سید کاظم موسوی ۲- داود روحی ۳- محمد کربلایی ۴- ولی الله محمودی ۵- عبدالله علیزاده ۶- سید نقی موسوی ۷- رجبعلی فلاح یزدی ۸- رضا رفیعی ۹- سید عبدالله هاشمی ۱۰- حسین قنوت ۱۱- حبیب الله کسائی ۱۲- مرتضی حجازی ۱۳- هادی پیشوایی ۱۴- قربانعلی طایف نجف آبادی ۱۵- ناظم کیانی ۱۶- محمد موسوی ۱۷- محمد رحیمیان ۱۸- نعمت الله رحیمی ۱۹- محمد علی رحیمی ۲۰- سید قاسم داود الموسوی ۲۰- شیخ محمدرضا مویدی. در ادامه گزارش فوق و درخصوص تصمیمات متخذه آمده است که از این تعداد پنج نفر به اسامی سید عبدالله هاشمی، مرتضی حجازی، رجبعلی فلاح یزدی، هادی پیشوایی و شیخ قربانعلی طایف نجف آبادی به اقامت اجباری (تبعید) چهارماهه به سمنان و یک نفر دیگر به نام شیخ محمدرضا مویدی نیز به سپری کردن همان میزان تبعید در دامغان محکوم گردیدند.^{۲۳}

نتیجه گیری

بررسی مبارزات روحانیون طرفدار نهضت در مقطع یک ساله بعد از تبعید امام نشان می‌دهد که زنده نگاهداشتن یاد و نام امام (ره) در سرلوحه برنامه‌های آنان قرار داشت. این طیف از عناصر فعال سیاسی در پوشش مراسم متعددی اعم از مذهبی نظیر دعای ندبه و مراسم نیمه شعبان، مراسم باستانی مانند عید نوروز و همچنین سالروزهای وقایع مرحله نخست نهضت همچون واقعه فیضیه و پانزدهم خرداد در صدد برآمدند که مبارزات خود را گسترش دهند. بهره برداری سیاسی از این مراسم ترفند مناسبی بود که نه تنها به جنبه‌های فراموش شده‌ای از برنامه‌های مذهبی روح سیاسی بخشید، بلکه مأموران امنیتی را غالباً از مقابله جدی با آن ناتوان می‌ساخت. تداوم این امر باعث شد که نام و یاد امام خمینی در اذهان فراموش نشده و جایگاه و نقش رهبری ایشان در نهضت محفوظ ماند.

در پایان این مقاله جا دارد که گزارش مأموران ساواک را در مورد یکی از اینگونه مجالس که در آن چند نمونه از دعا‌های مرتبط با نام امام (ره) مورد اشاره قرار گرفته است ذکر نماییم: «خدایا علمای بزرگ و مراجع عالیقدر ما به خصوص حضرت آیت الله خمینی را نصرت بده. پروردگارا رهبر عالیقدر شیعه حضرت آیت الله خمینی را در پناه خودت حفظ بفرما. خدایا سایه این رهبر جلیل القدر را از سر ما کوتاه نفرما. پروردگارا سایه بلند پایه رهبر عالیقدر ما حضرت آیت الله خمینی را از سر جامعه اسلام کوتاه نفرما.»

همچنین در مورد توصیه به انجام رهنمودهای امام خمینی (ره) آمده است: «آقایان اگر واقعا به علما،

حضرت آیت الله خمینی علاقه دارید باید مبارزه کنید. بدانید گرسنه و بیچاره زیاد است و به پیروی از منویات رهبر عالیقدر و محبوب ما و پدر ما یعنی حضرت آیت الله العظمی خمینی به بینوایان کمک کنید. ای مردم که ارادت کامل نسبت به رهبر عالیقدر خود حضرت آیت الله خمینی دارید، کتاب گمراه کننده نخرید. مرجع عالیقدر و بزرگ ما حضرت آیت الله خمینی در رساله خود نوشته اند که اگر با بی دینی مبارزه نکنید مسلمان نیستید.» نکته جالب اینکه گزارشگر ساواک در تمام موارد مذکور بعد از نام امام خمینی در داخل بردانتر چنین متذکر شده است: «در این موقع جمعیت با صدای بلند صلوات فرستادند.»^{۲۴}

پی نوشت ها

- ۱- ر.ک: شهید آیت الله سید محمدرضا سعیدی، از مجموعه یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، وزارت اطلاعات، ۱۳۷۶
- ۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی پرونده: ۱۸۶، ص ۱۶۲
- ۳- محمدرضا احمدی، خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۲۸۴-۲۸۵
- ۴- علی باقری، خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، خاطرات حجت الاسلام محمد حسن رحیمیان، ص ۱۵۰
- ۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی پرونده: ۱۸۶، ص ۱۰۹
- ۶- همان، ص ۵۱
- ۷- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۱۲۸-۱۲۹
- ۸- سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران، انتشارات راه امام، ۱۳۶۰، ص ۸۸۶
- ۹- حمید روحانی، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، صص ۶۷-۶۸ و همچنین اسناد ساواک مندرج در ضمیمه کتاب، سند شماره ۸۰۷
- ۱۰- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، همان، صص ۲۷۹-۲۸۱
- ۱۱- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، همان، ص ۷۰
- ۱۲- متن بیانیه طلاب حوزه علمیه قم درباره تبعید امام به ترکیه و جنایات رژیم شاه، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، همان، صص ۱۳۱-۱۳۴
- ۱۳- زیر نظر محسن رفسنجانی، دوران مبارزه: خاطرات هاشمی رفسنجانی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۶۷، صص ۱۹۹-۲۰۰
- ۱۴- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، همان، صص ۸۲۳-۸۲۴
- ۱۵- متن اعلامیه حوزه علمیه قم درباره دومین سالگرد فاجعه مدرسه فیضیه، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، همان، صص ۱۲۵-۱۲۷
- ۱۶- دوران مبارزه: خاطرات هاشمی رفسنجانی، همان، صص ۲۰۳-۲۰۵
- ۱۷- متن بیانیه طلاب حوزه علمیه قم درباره تبعید امام به ترکیه و جنایات رژیم شاه، همان، صص ۱۳۱-۱۳۴
- ۱۸- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، همان، صص ۸۷۴-۸۸۰
- ۱۹- متن نامه جمعی از استادان حوزه علمیه قم به امیرعباس هویدا درباره هجوم مأموران رژیم شاه به حرم مطهر حضرت معصومه (س)، اسناد انقلاب اسلامی، همان، صص ۱۶۱-۱۶۲
- ۲۰- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، همان، صص ۶۷-۶۸
- ۲۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی پرونده: ۶۷۷، ص ۷۰
- ۲۲- همان، صص ۷۴-۷۵
- ۲۳- همان، شماره بازبایی پرونده: ۶۷۸، صص ۹-۱۹
- ۲۴- شهید آیت الله محمدرضا سعیدی به روایت اسناد ساواک، همان، صص ۷۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۷۶، ۱۸۹